



Analyzing the process of the strategic plans of the Chiefs of Staff of IDF from 2000 to 2023 and the future study of these documents in the horizon of 2025

Ebrahim Kimiyaei devin^{1*} | Mohammad Hossein Safaei²

1. Corresponding Author: Ph.D. in Political Science (Political Thought), Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: kimiyaei@isu.ac.ir
2. Assistant Professor of Philosophy, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

Israel, due to suffering from a geostrategic nightmare stemming from a lack of strategic depth, an incongruous environment, and a shortage of human resources, is constantly seeking solutions for its survival in the occupied territories of Palestine and its acceptance in West Asia. Since military doctrine is formulated to outline the long-term policies of a political unit regarding defense and security issues, Israel has undertaken a series of strategic documents over the past three decades to adapt to the conditions or threats arising from the ever-fluid environment of the occupied territories. These documents have been updated by the Chiefs of Staff of IDF and aim to provide solutions for better implementation of operational art and to eliminate the gap between strategy and tactics in the Israeli army. The plans 2000, 2006, Tefen, 2013, Gideon, and Tenufa are examples of this. According to findings based on the ATLAS.TI text mining method, all these documents share commonalities in enhancing based on the lessons of previous wars and are produced through knowledge development processes in IDF, although they also have distinguishing features such as prioritizing air power or military intelligence in advancing short-term goals. It seems that in the near future, with the latest updates to the IDF strategic documents, we may witness proposals regarding the redefinition of deterrence rules between Israel and the resistance axis, rewriting the red lines of the campaign between wars, multilayering this strategy in the gray area and attracting the attention of the United States to return to West Asia instead of focusing on Indo-Pacific challenges (countering the rise of China as a superpower).

Keywords: IDF, Military Doctrine, Military Strategy, Strategic Document.

Volume info

Vol. 35
Series: 134
Autumn 2026
P.P: 139-163

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-12-01
Revised:
2026-12-01
Accepted:
2026-05-27
Published:
2026-05-27

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Kimiyaei devin, E., & Safaei, M.H. (2026). Analyzing the process of the strategic plans of the Chiefs of Staff of IDF from 2000 to 2023 and the future study of these documents in the horizon of 2025. *Scientific Journal of Defense Policy*, 35(134), 139-163.
doi : 10.47176/dpj.2026.1894



OPEN ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

روندکاوی طرح‌های راهبردی رؤسای ستاد ارتش رژیم صهیونیستی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ میلادی و آینده پژوهی این اسناد در افق ۲۰۲۵

ابراهیم کیمیایی دوین^{۱*} | محمدحسین صفائی^۲

۱. نویسنده مسئول: دکتری علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)،

Email: kimiyaei@isu.ac.ir

تهران، ایران.

۲. استادیار فلسفه، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

رژیم صهیونیستی به دلیل ابتلاء به کابوس ژئواستراتژیکی ناشی از فقدان عمق راهبردی، محیط ناهم‌خوان و کمبود استعداد انسانی در صدد چاره‌جویی برای بقا در فلسطین اشغالی و مقبولیت در غرب آسیا است. از آنجا که دکترین نظامی به‌منظور سیاستگذاری برای یک واحد سیاسی در بلندمدت پیرامون مسائل دفاعی - امنیتی تدوین می‌شود، رژیم صهیونیستی برای تطابق با شرایط یا تهدیدات ناشی از محیط همواره سیال فلسطین اشغالی، اقدام به طرح سلسله اسناد راهبردی طی سه دهه‌ی اخیر کرده است؛ این اسناد توسط رؤسای ستاد کل ارتش به‌روز رسانی شده و به‌دنبال بیان راهکارهایی برای اجرای هرچه بهتر مقوله‌ی هنر عملیاتی و از بین بردن معضل خلاء بین راهبرد و تاکتیک در ارتش رژیم صهیونیستی است. طرح‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۰، ۲۰۱۳، ۲۰۱۳، گیدئون و تنوفا از همین قبیلند. طبق یافته‌ها براساس روش متن کاو ATLAS.TI تمامی این اسناد در نحوه‌ی ارتقاء (نسبت به سند پیشین) بر اساس آموزه‌های جنگ‌های قبلی تولید شده‌اند و براساس فرایندهای اشتراک دانش و تدوین طبق خرد جمعی (اجتناب از اغراض شخصی و حزبی) با یکدیگر اشتراک دارند، اگرچه نقاط تمایزی همچون اولویت دادن به نیروی هوایی یا اطلاعات نظامی در پیشبرد اهداف مقطعی نیز در این اسناد مشاهده می‌شود. به‌نظر می‌رسد در آینده‌ی نزدیک و آخرین به‌روز رسانی اسناد راهبردی در ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی شاهد ارائه‌ی پیشنهادهایی حول باز ترسیم قواعد بازدارندگی بین رژیم صهیونیستی و محور مقاومت، بازنویسی خطوط قرمز استراتژی نبرد بین جنگ‌ها و چندلایه کردن این راهبرد در منطقه‌ی خاکستری و جلب نظر آمریکا برای بازگشت به غرب آسیا به‌جای تمرکز بر چالش‌های ایندوپاسفیک (مقابله با ظهور چین در قامت یک ابر قدرت) باشیم.

کلیدواژه‌ها: ارتش رژیم صهیونیستی؛ دکترین نظامی، راهبرد نظامی، سند راهبردی.

استناد: کیمیایی دوین، ابراهیم؛ و صفائی، محمدحسین. (۱۴۰۵). روندکاوی طرح‌های راهبردی رؤسای ستاد ارتش

رژیم صهیونیستی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ میلادی و آینده پژوهی این اسناد در افق ۲۰۲۵. فصلنامه سیاست دفاعی، ۳۵ (۱۳۴)،

۱۳۹-۱۶۳. doi : 10.47176/dpj.2026.1894

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع).

OPEN ACCESS

مقدمه

در فضای همواره متغیر محیط پیرامونی اسرائیل،^۱ این رژیم دکترین نظامی خود را بر اساس تحولات منطقه به‌روز رسانی می‌کند. برای تامین چشم اندازهای دکترینی، ارتش نیز هر ۵ سال یک‌بار راهبرد نظامی جدیدی را اتخاذ می‌کند. این طرح‌ها صورت‌بخش مؤلفه‌های جدید سیاست‌ها و اقدامات نظامی – امنیتی رژیم صهیونیستی در سطح راهبردی خواهند بود. نیاز به اجرای چنین طرح‌ها و راهبردهایی در هر ارتشی غیر قابل انکار بوده و در بیست سال گذشته چند برنامه‌ی مشابه در ارتش رژیم صهیونیستی به مرحله‌ی اجرا در آمده؛ از این میان می‌توان به سند ۲۰۰۰، ۲۰۰۶، سند تفن، ۲۰۱۳، سند گیدئون و سند تنوفا که در قالب تخصیص بودجه‌ی چند ساله اجرا شده، اشاره کرد. این اسناد، ارتش رژیم صهیونیستی را قادر می‌سازد تا طرح‌های خود را مبتنی بر اسناد و دستورالعمل‌های بالادستی در ارتش پیاده‌سازی کند. رویکردی که بر تدوین این اسناد حاکم است، مبنای فرآیندهایی خواهد بود که ارتش رژیم صهیونیستی را ذیل دکترین نظامی در هر مقطع زمانی، هدایت و رهبری خواهد کرد. مهمترین هدف این اسناد، حفظ امنیت ملی رژیم صهیونیستی در فضای همواره متغیر پیرامونی است. از جمله مصادیق حفظ امنیت ملی رژیم صهیونیستی، خنثی کردن فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای و محدود کردن حمایت ایران از گروه‌های مقاومت اعم از ارسال سلاح و منابع مالی است. به‌دیگر سخن معماری ارتش و مقتضیات آفندی و پدافندی این رژیم در سال‌های اخیر، برپایه چالش‌های ایران طرح‌ریزی شده است؛ به‌همین دلیل ضرورت مقابله و خنثی‌سازی برنامه‌های مطرح شده در اسناد راهبردی ۵ ساله ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی در عرصه‌ی عمل و نظر بیش از پیش نمایان می‌شود. در بیانات مقام معظم رهبری^{مد ظله‌العالی} نیز همواره بر تحکیم جبهه مقاومت در برابر مستکبرین جهان تأکید شده است؛^۲ همچنین اصل پایدار تقویت محور مقاومت و نابودی رژیم صهیونیستی در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسج و بافت یافته است؛ از این‌رو لازم است تا چشم‌اندازهای نظامی – امنیتی دشمنان مورد رصد و پایش مستمر قرار گیرد تا آمادگی

۱ از آنجا که موجودیت سیاسی دولت جعلی اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشده، در این تحقیق به جای کلمه «اسرائیل» از اصطلاح «رژیم صهیونیستی» نیز استفاده می‌شود.

۲ بیانات در خطبه نماز جمعه تهران (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)، برگرفته از لینک: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=19359>

نیروهای مسلح حفظ و تقویت شود. طبق آنچه گفته شد هدف از تدوین این اثر، تبیین راهبرد های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی ذیل دکترین نظامی این ساختار جعلی، از طریق تحلیل و بررسی اسناد راهبردی ارتقاء ارتش طی بیست سال گذشته است. سؤالاتی که ما در پی پاسخ بدانها هستیم شامل زمینه‌ها، ماهیت و مفاد اسناد راهبردی ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی، وجوه اشتراک و افتراق این اسناد در راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی به همراه تبیین تاثیر اقدامات جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در تطورات این اسناد خواهد بود. با توجه به تحلیل محتوای کیفی اسناد راهبردی و ماهیت داده کاوانه این تحقیق، تبیین فرضیه امری معمول نیست اما می توان اشاره کرد که ارتش این رژیم در تدوین فعالیت های میدانی در حال چرخش به سمت ضابطه هایی جدید است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

الف. در ارتش رژیم صهیونیستی استفاده از حداقل نیروها و حداقل تجهیزات به عنوان یک اصل راهبردی و هویت بخش در دستور کار تقویت و اعمال نیرو قرار خواهد گرفت.

ب. رژیم صهیونیستی تشکیل ائتلاف های منطقه ای و جهانی نه تنها برای جبهه واحد دفاعی علیه ایران بلکه در ابعاد گسترده تر را دنبال خواهد کرد. چارچوبی که به تجدید علاقه ی حضور آمریکا در منطقه کمک می کند و وزنه ی تعادلی در مقابل رشد ایران باشد. این رویکرد پس از عملیات طوفان الاقصی و حوادث ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تسریع خواهد شد.

مبانی نظری

دکترین نظامی

دکترین نظامی^۱ پایه ی مفهومی و عملی همه اسناد نظامی - امنیتی است و بر اساس منافع ملی حیاتی، مفروضات اساسی امنیت ملی و اصول تفکر و عمل نظامی بنا می شود. وزارت جنگ آمریکا دکترین نظامی را اینگونه تعریف می کند:

«اصول اساسی که توسط آن نیروهای نظامی یا عناصر آنها اقدامات خود را در حمایت از اهداف ملی رهبری و هدایت می کنند» (لویت، ۱۹۹۰: ۱۷).

1 Military Doctrine

دکترین توصیف می‌کند که چگونه یک نیرو عمل می‌کند، یا چگونه یک ارتش می‌جنگد. این مفهوم، اصول چگونگی انجام مبارزه در راهبرد و تاکتیک را شرح می‌دهد. دکترین از طریق راهبردها و تاکتیک‌ها اعمال می‌شود. هر دکترین نظامی باید با محیط ژئواستراتژیک، اولویت‌ها و اهداف دولت منعطف و سازگار باشد (لویت، ۱۹۹۰: ۲۳).

تغییرات و تطورات دکترین نظامی رژیم صهیونیستی از زمان اعلام موجودیت

ترسیم خط سیر اسناد راهبردی و ارائه تصویری روشن از تغییرات ایجاد شده در راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی منوط به شناخت تغییرات و تطورات دکترین نظامی این رژیم است. باید در نظر داشت از آنجا که دکترین نظامی تحولات دفعی ندارد، برای پاسخگویی به مقتضیات زمانی اسناد راهبردی دائماً عهده‌دار پر کردن خلاءهای جدید هستند. در یک برآیند کلی، روند تغییرات در دکترین نظامی ارتش رژیم صهیونیستی تا به امروز بدین‌سان بوده است:

۱۹۴۸-۱۹۶۰: ارتش رژیم صهیونیستی در بدو تأسیس مبتنی بر دکترین «دفاع فعال» عمل می‌کرد. این دکترین نظامی بر حملات پیشگیرانه و استفاده از پیاده نظام سبک و تاکتیک‌های چریکی قبل از شروع حمله توسط دشمن تأکید داشت. ارتش رژیم صهیونیستی در آن برهه به تحرک و قدرت جابه‌جایی اهمیت زیادی می‌داد، زیرا انتظار می‌رفت همه واحدهای رزمی قادر به حرکت سریع باشند (لویت، ۱۹۹۰: ۵۰-۴۵).

۱۹۷۳-۱۹۶۰: پس از حوادث صحرای سینا در سال ۱۹۵۶، ارتش رژیم صهیونیستی شروع به ارتقاء دکترین نظامی خود به سمت «دفاع تهاجمی» کرد. این دکترین بر بهبود جمع‌آوری اطلاعات، ایجاد واحدهای نخبه برای انجام عملیات‌های ویژه و توسعه واحدهای زرهی و نیروی هوایی برای عملیات‌های متعارف تأکید داشت (لویت، ۱۹۹۰: ۵۶-۵۴). هدف این تغییر دکترینی این بود که رژیم صهیونیستی بتواند به سرعت و قاطعانه در دفاع از مرزهای سرزمین‌های اشغالی به دشمن حمله کند.

۱۹۷۳-۱۹۹۰: جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ نقاط ضعف در دکترین دفاع تهاجمی ارتش رژیم صهیونیستی را نمایان کرد. دکترین جدیدی که پدیدار شد بر رویکرد متعادل‌تری صحه می‌گذاشت که حمله را با دفاع ترکیب می‌کرد. در این بازه زمانی تمرکز بر پیروزی‌های سریع و قاطع جای خود را به حفظ وضعیت آمادگی دائمی برای دفع هرگونه حمله دادند. همچنین به مقوله هشدار راهبردی

در تمامی اسناد راهبردی ارتش بیشتر توجه شد و از این مقطع همواره در پی ترسیم مدار لازم برای صدور هشدار راهبردی قبل از وقوع یک ناامنی گستره بودند (لویت، ۱۹۹۰: ۶۶-۵۹).

۱۹۹۰-۲۰۰۰: پس از انتفاضه اول، دکترین ارتش رژیم صهیونیستی به سمت «درگیری با شدت کم» چرخش یافت. این دکترین جدید بر جنگ ضدشورش، شهری و مبارزه با تروریسم تمرکز داشت. دلالت و اولویت اصلی این دکترین بر حفاظت از شهرک نشینان و حفظ نظم در برابر حملات استشهادهای و ناآرامی های داخلی بود (هایمن، ۲۰۲۳: ۸۱-۷۶).

۲۰۰۰-۲۰۲۳: از زمان انتفاضه دوم، دکترین ارتش رژیم صهیونیستی مبتنی بر «جنگ نامتقارن» تکامل یافته است. بر اساس این دکترین احتمال حمله و شکست رژیم صهیونیستی از طریق ابزارهای نظامی متعارف پایین است و در عوض دشمنان این رژیم به دنبال تضعیف رژیم صهیونیستی از طریق به اصطلاح تروریسم، تبلیغات و ابزارهای مشروعیت زدا در سطح داخلی و بین المللی هستند؛ در نتیجه، ارتش رژیم صهیونیستی تأکید بیشتری بر برتری اطلاعاتی و فناوریانه، جنگ سایبری و استفاده از قدرت آتش هوایی برای حملات هدفمند داشته است (هایمن، ۲۰۲۳: ۸۶-۷۶).

راهبرد نظامی

در حالی که دکترین جنبه علمی تر جنگ را نشان می دهد، استراتژی نشان دهنده جنبه هنری یک جنگ است. بحث از استراتژی^۱ یا راهبرد نظامی در دسته علوم نظامی جای دارد و شامل مقوله های جنگ و سیاست خارجی هم می شود. منظور از سیاست خارجی همان چیزی است که حکومت ها به واسطه ی بازوان نظامی خود، برای نیل به اهداف کلان اتخاذ می کنند؛ این امر از ترکیب راهبردهای همسوسازی و راهبردهای توسعه ای و به کارگیری توانمندی های نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی تعیین شده ایجاد می شود. منظور از راهبردهای همسوسازی همان روش های مختلف تعامل یک دولت با سایر دولت ها و سازمان ها در سطح سیاسی برای ارتقای امنیت، نفوذ یا موقعیت است. این جنبه از راهبرد به بخشی از تلاش های خارجی دولت ها برای ارتقای منافع خود اتلاق می شود؛ نمونه هایی از راهبردهای همسوسازی عبارت اند از موازنه قدرت، بند واگن، انزوای طلبی و پوشش ریسک. پس راهبرد نظامی پدیده ای شامل تقسیم کار ظریف و

^۱ باید توجه داشت که استراتژی و مدیریت استراتژیک باهم یکسان نیستند. استراتژی نسبت به برنامه ریزی استراتژیک کمتر به جزئیات می پردازد، اما در زمینه محدوده و مدیریتش، جاه طلب تر است.

تعامل پیچیده بین سطح سیاسی (سطح سیاسی-راهبردی) و سطح ارشد نظامی (سطح نظامی-راهبردی) است. یان ویلم هونیک^۱ و یان آنگستروم^۲ (۲۰۱۲) استدلال کرده‌اند که مدیریت دقیق منابع کمیاب نیز بخش مهمی از هر راهبرد نظامی هست چرا که دسترسی به منابع نامحدود بحث در مورد استفاده از منابع نظامی را بیهوده می‌کند (آنگستروم و هونیک، ۲۰۱۲: ۶۶۹). تعریف وزارت دفاع آمریکا هم از راهبرد چنین است:

«هنر و علم توسعه و استفاده از نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی در زمان صلح و جنگ به منظور حمایت حداکثری از سیاست‌ها، برای افزایش احتمالات و پیامدهای مطلوب پیروزی و کاهش احتمال شکست»^۳.

کالین گری راهبرد نظامی را اینگونه تعریف می‌کند:

«استفاده از زور و تهدید برای اهداف سیاستی که سیاست‌مداران تصمیم گرفته‌اند.» (گری، ۲۰۱۰: ۷۷). در مجموع، دیپلماسی اصل مهم یک راهبرد است که از طریق آن یک ملت می‌تواند با ملل دیگر ائتلاف کند یا ملت دیگری را برای تسلیم شدن تحت فشار قرار دهد تا بدون توسل به جنگ به پیروزی برسد (گارتنر، ۱۹۹۹: ۱۶۳). در اجرای هر راهبرد نظامی دو طرف می‌کوشند تا با استفاده از منابع اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی در برابر دشمن به سیادت نظامی برسند یا تمایل دشمن به جنگ کاهش دهند، در نتیجه استراتژی یا همان راهبرد شریک ضروری دکرین است. استراتژی تعیین می‌کند که چگونه اهداف سیاسی باید پیش‌برد و ایمن شوند و ابزاری را برای دستیابی به این اهداف انتخاب می‌کند (گری، ۲۰۱۰: ۷۸). یک راهبرد نظامی موفق ممکن است راهی به سوی پایان باشد اما خودش به پایان نمی‌رسد؛ نمونه‌های زیادی در تاریخ وجود دارند که نشان می‌دهند پیروزی نظامی در میدان نبرد منتج به صلح طولانی مدت، امنیت یا آرامش نشده است (ازغندی، ۱۳۹۶: ۶۱).

سند راهبردی در ارتش

سند راهبردی یا طرح؛ اساس نظری و عملی برای همه اسناد اصلی نظامی است. این اسناد بر مبنای منافع ملی حیاتی، کنوانسیون‌های اصلی امنیت ملی و پایه‌های اصلی فکر و عمل نظامی قرار

1 Jan Willem Honig

2 Jan Angstrom

3 <http://www.dtic.mil/doctrine/jel/doddickt/>

4 Plan

دارد و به عنوان راهنمایی برای چگونگی یکپارچه سازی کنوانسیون های اصلی امنیت ملی با اصول و قوانین نظریه های نظامی عمل می کند. در ارتش رژیم صهیونیستی هر سند راهبردی به منظور ایجاد، تقویت و هدایت نیرو به موضوعات زیر می پردازد:

الف. چگونگی تجزیه و تحلیل ارتش رژیم صهیونیستی از محیط عملیاتی، داخلی، بین المللی و استراتژیک
ب. توصیف د کترین نظامی - امنیتی رژیم صهیونیستی (وزارت دفاع آمریکا، بی تا).

جایگاه اسناد راهبردی در ادبیات امنیتی - نظامی

ایده ی تدوین سند راهبردی در ارتش رژیم صهیونیستی منبعث از مبانی نهادهای نظامی - امنیتی آمریکا است. انواع مختلفی از اسناد راهبردی در آمریکا در طول سال ها نوشته شده است. قانون گلدواتر - نیکولز (قانون عمومی ۹۹-۴۳۳، ۱۹۸۶) نقش رئیس ستاد مشترک ارتش را به عنوان بخشی از اصلاحات گسترده تر نیروهای مسلح آمریکا تعریف می کند و ضمناً تصریح می کند که وزیر دفاع باید گزارش سالانه تهیه و منتشر کند. این سند باید شامل اهداف و سیاست های امنیت ملی، اولویت های مربوط به وظایف نظامی و تخصیص منابع برای آن دوره باشد و رئیس ستاد مشترک ارتش موظف است به وزیر در این کار کمک کند (ماده ۱۵۳ قانون). در رژیم صهیونیستی اما چنین اسناد رسمی که توسط رده سیاسی منتشر شده باشد، وجود ندارد. تلاش هایی برای تدوین چنین سندی در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ توسط کمیته مریدور انجام شد، اما هرگز منتشر نشد (مریدور و الدادی، ۲۰۱۸: ۱۸۲). در آگوست سال ۲۰۱۸ اعلام شد که نخست وزیر بنیامین نتانیاهو مفهوم امنیتی رژیم صهیونیستی را به روز کرده است، اما این موضوع هرگز به طور کامل فاش نشد (دفتر نخست وزیر، ۲۰۱۸)؛ در نتیجه، اسناد نظامی در واقع مهم ترین اسناد رسمی امنیتی رژیم صهیونیستی است که توسط شخصیت های ارشد هر بازه زمانی نوشته می شوند.

پیشینه پژوهش

در زمینه ی بررسی و مقایسه اسناد ۵ ساله ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی تحقیقی صورت پذیرفته اما بعضی از این اسناد به صورت موردی بررسی شده اند. همچنین باید اذعان کرد که تاکنون تحقیقات معدودی در خصوص راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی در مجامع علمی کشور به ثبت رسیده است؛ از میان این موارد نادر می توان به مصادیق زیر اشاره کرد.

محمد زارعی در کتاب «طرح تنوفا» (۱۴۰۱) به بررسی سند تنوفا در چارچوب استراتژی نبرد میان جنگ‌ها پرداخته است. با این حال، تمرکز انحصاری این اثر بر یک سند خاص و عدم بهره‌گیری از روش «اطلس تی» به عنوان یک چارچوب تحلیلی جامع، از جمله محدودیت‌های آن محسوب می‌شود. در مطالعه دیگری با عنوان «تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۱) توسط امیررضا مقومی و روح‌الله قادری کنگاوری، تحولات دکترین امنیتی این رژیم از بدو تأسیس مورد واکاوی قرار گرفته است. اگرچه این مقاله به تطورات تاریخی می‌پردازد، اما فاقد بررسی نظاممند تغییرات راهبردهای نظامی در ذیل تحولات دکترینی است. همچنین، مقاله «دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل» (۱۳۹۷) به بررسی این دکترین به عنوان راه‌حلی برای خروج از انزوای برابر اتحاد دول عربی پرداخته است. وجه تمایز اصلی این پژوهش با تحقیق حاضر، تمرکز آن بر جنبه‌های سیاسی-امنیتی اتحاد پیرامونی و عدم پرداختن به تغییرات راهبردهای نظامی در پرتو تحولات دکترینی است. در حوزه آثار مکتوب، کتاب «دکترین نظامی اسرائیل» (۱۳۸۹) تألیف جهانگیر کرمی، عمده‌تأثیر دکترین نظامی کلاسیک رژیم صهیونیستی متمرکز شده است. این اثر اگرچه در حوزه خود ارزشمند است، اما تحولات دوران معاصر و برخی تغییرات راهبردی در دوره مدرن را پوشش نمی‌دهد. در نهایت، مقاله «جنگ آینده در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی» (۱۳۷۹) توسط گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی، به طور خاص به مفهوم جنگ آینده در دکترین نظامی این رژیم پرداخته است. با این وجود، این پژوهش نیز تغییرات راهبردهای نظامی را در چارچوب تطورات دکترینی به صورت جامع بررسی نکرده است. بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف پوشش خلأهای یادشده و با استفاده از چارچوب تحلیلی جامع‌تر، به بررسی موضوع می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. به دلیل توصیف شرایط و عدم دخالت پژوهش‌گر در متغیرها از نظر گردآوری، تحقیقی تبیینی است. ماهیت داده‌ها نیز به دلیل ابتناء بر مشاهده و مصاحبه‌ها، کیفی تلقی می‌شود. شایان ذکر است منظور از مصاحبه‌ها، ترجمه‌ی مصاحبه‌های انجام شده در محافل اندیشه‌ورز صهیونیستی، جمع‌بندی و استناد به آن مصاحبه‌ها بوده

است. روش این تحقیق «اسنادی» با رویکرد تحلیلی و تبیینی و فن تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی ۱ خواهد بود. با عنایت به ماهیت ترکیبی پژوهش که آمیخته‌ای از مطالعات کاربردی و آینده‌پژوهانه است، پژوهشگر از ترکیبی از روش‌ها برای تحلیل داده‌ها بهره خواهد جست که عبارتند از: بخش اول تحقیق که به توصیف و تشریح راهبردهای نظامی در ذیل دکترین نظامی - امنیتی رژیم صهیونیستی اختصاص دارد و هدف اصلی آن موضوع‌شناسی می‌باشد، از روش اسنادی استفاده شده است؛ چرا که این روش در توصیف، تبیین و تشریح قابلیت بالایی دارد. سپس در بخش دوم، پژوهشگر از بین سه الگوی مختلف از روش اسنادی (انباشت داده، بازخوانی داده و فرآوری داده) الگوی فرآوری داده با رویکرد «ترکیب» را برخواهد گزید (افتخاری، ۱۳۹۸، ۴۲). در این بخش، با کمک نرم‌افزار اطلس تی سراغ فهم عمیق متون اسناد راهبردی ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی می‌رویم و از ترکیب اطلاعات به دست آمده و ملاحظات تازه‌ای که محقق به آن‌ها دست یافته، مطلوب پژوهش حاصل می‌آید. مبتنی بر خروجی نرم‌افزار اطلس تی از داده کاوی متن سندهای راهبردی ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی، شاکله معنایی از هر سند پدیدار می‌گردد که بخش فوقانی آن تغییرات منحصربفرد دکترینی، کلان و بالادستی را نمایش می‌دهد. این بخش بازتاب‌دهنده تغییرات بیرونی و تحمیلی بر نهاد ارتش رژیم صهیونیستی (چه از جانب رده سیاسی و چه براساس ضرورت واقعیت‌های میدانی و ژئواستراتژیک) است. بخش میانی و تحتانی هر شاکله معنایی نیز، بیانگر اصول راهبردی هر سند و تغییرات درونی این نهاد در پاسخ به تغییرات فوقانی توسط رده نظامی است. به منظور بازآرایی فرآیندهای تقویت و اعمال نیروی ارتش رژیم صهیونیستی ذیل هر یک از استراتژی‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و اقدامات نیز صورت پذیرفته است که در شاکله معنایی هر سند نمایان است.^۲

یافته‌های پژوهش

در این بخش صرفاً اصول و تعاریف مفاهیم کلیدی هر سند بیان می‌شود که عمده‌تاً برآمده از منابع دست اول عبری یا ترجمه‌های انگلیسی منتشر شده از سوی آن‌هاست. باید توجه داشت به

1 ATLAS.ti

۲ به منظور رعایت اختصار و پابندی به حجم مطلوب مقاله، شاکله معنایی سه طرح ۲۰۰۰، ۲۰۰۶ و تفن حذف شده است. در صورت نیاز می‌توانید با نویسندگان مکاتبه کنید.

دلیل حساسیت‌های امنیتی که در زمینه این سنخ اسناد وجود دارد دسترسی به کلیت اسناد یا متن اصلی آن‌ها (به جز متن اصلی سند راهبردی آیزنکوت که منتشر شده است) غیرممکن است و رویکرد این پژوهش با اتکاء بر اسناد و اطلاعات آشکار (OCINT)^۱ خواهد بود.

دلایل تدوین اسناد راهبردی در ارتش رژیم صهیونیستی

ارتش رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیده که از نظر نهادی^۲، شرط ارتقاء و بهبود عملکرد ارتش، تدوین اسناد راهبردی- مفهومی است؛ این روند، خود را در افزایش نرخ به‌روز رسانی اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی در دو دهه اخیر نشان می‌دهد. دلایل زیر را می‌توان برای افزایش مشارکت از سوی روسای ستاد ارتش در تدوین اسناد راهبردی ارتش برشمرد:

۱. اسناد راهبردی در ایجاد یک زبان مشترک در داخل ارتش رژیم صهیونیستی به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه مفاهیم جدید به کار می‌آیند.
۲. شکست‌های مختلف از زمان جنگ یوم کپور، منجر به درک این موضوع می‌شود که طراحی عملیات بدون یک سند راهبردی- مفهومی، یک اشتباه اساسی است.
۳. سردرگمی مفهومی ناشی از پیچیدگی فزاینده جنگ (به معنای وسیع، از جمله نبرد بین جنگ‌ها) و نرخ سریع تغییر در محیط ژئوپلیتیک، که نیاز به تفسیر مجدد از وضعیت را می‌طلبد.
۴. تقلید از نگرش آمریکا به انتشار اسناد راهبردی - مفهومی رسمی به‌عنوان ویژگی یک سازمان نظامی منظم و یک از قدرت‌های بزرگ بین‌المللی.
۵. نیاز به یک «قطب نمای» سازمانی که تنظیم‌گر حوزه‌های جدید و مهم در آینده نزدیک باشد در رژیم صهیونیستی بیش از سایر نقاط احساس می‌شود.

چالش‌های تدوین اسناد راهبردی

هر رئیس ستاد کل در دوران تصدی مسئولیت خود، در تدوین اسناد راهبردی با چالش‌هایی مواجه بوده که اصولاً ماهیتی و رای اختیارات وی داشته‌اند.

1 Open Source Intelligence

2 Institutional

نبود اسناد بالادستی بهروز

ارتش رژیم صهیونیستی برای تدوین یک رویکرد عملیاتی دوران سختی را تجربه می‌کند. یک دلیل این است که رویکرد عملیاتی نظامی از دکتین ملی - امنیتی ریشه می‌گیرد که مورد تایید ارکان سیاسی باشد و نقش میانجی آن و برنامه‌ریزی عملیاتی و ساختار نیروهای نظامی را بر عهده می‌گیرد. با این حال، از زمان تاسیس رژیم جعلی رژیم صهیونیستی، چنین سند رسمی که اصول سیاسی را تعیین کند و منابع موجود بر اساس آن تخصیص شوند وجود نداشته است. در سال ۲۰۰۴ وزیر دفاع وقت ژنرال موفاز یک گروه به رهبری دن مریدور^۱ را مسئول به‌روزرسانی دکتین امنیت ملی رژیم صهیونیستی کرد اما به دلیل پیامدهای جنگ دوم لبنان، این سند نیز قبل از اینکه جایگاه تعهدآوری پیدا کند کنار گذاشته شد. بعد از جنگ، وظیفه تدوین اصول به‌روزرسانی شده به شورای امنیت ملی واگذار شد اما این نهاد نیز نتوانست این کار را به سرانجام برساند. نتانیاهو نیز تلاش کرد در سال ۲۰۱۸ مفهوم امنیتی رژیم صهیونیستی را تحت عنوان «مفهوم امنیتی ۲۰۳۰» به‌روزرسانی کند (دفتر نخست وزیر، ۲۰۱۸). با این همه به دلیل فقدان یک دکتین رسمی، ارتش رژیم صهیونیستی بر «مفاهیم بنیادین» که در شاخه‌های مختلف نظامی تدوین شده‌اند و نیز بر اصولی که توسط رئیس ستاد کل و تیم او در موقعیت‌های مختلف (مثل طرح‌های پنج ساله) ارائه می‌شود، تکیه می‌کند. نرخ سریع به‌روزرسانی اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی به دلیل سرعت کند به‌روزرسانی اسناد الزام آور رسمی تر و بالادستی، مانند سند دکتین اصلی در ارتش رژیم صهیونیستی است و ارتش رژیم صهیونیستی چاره‌ای جز پر کردن شکاف با استفاده از اسناد راهبردی ندارد.

تعاملات ساختاری رده سیاسی و نظامی

پیچیدگی فعالیت‌های نظامی در دهه‌های اخیر خصوصاً در مواجهه با گروه‌های مقاومت، اقدامات نظامی موثر در ارتش رژیم صهیونیستی را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است. این دشواری‌ها به‌طور مستقیم رهبران سیاسی را در تعریف و تدوین اهداف روشن برای ارتش رژیم صهیونیستی دچار مشکل می‌کند. چنین شناختی منجر به درک این موضوع شد که در چارچوب تقدم رده‌های سیاسی بر رده‌های نظامی، بدین صورت که در یک روند سلسله مراتبی، رده‌های

1 Dan Meridor

سیاسی وظایفی را به رده‌های نظامی دیکته می‌کنند، خلاء وجود دارد. از منظر کارشناسان رژیم صهیونیستی برای حل این مشکل، انجام گفت‌وگو و بررسی مشترک وضعیت و یافتن بهترین راه برای استفاده از نیروی نظامی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی که مفهوم‌سازی آنها دشوار است، ضرورت دارد. در نتیجه، این فرایند مانند گذشته است یعنی دستورات از جانب سیاستمداران به ارتش دیکته می‌شود، اما نحوه تدوین این دستورالعمل‌ها متفاوت، تعاملی‌تر و پیچیده‌تر است (بنیاد دفاع از دموکراسی، ۲۰۱۹).

ماهیت پسینی اسناد راهبردی

در ارتش رژیم صهیونیستی، پیشرفت‌های مفهومی معمولاً از اسناد مکتوب حاصل نمی‌شود، بلکه از طریق یک فرایند تعاملی بین ایده و تجربه عملیاتی یا تجربه تکنولوژیکی اجرای آن به دست می‌آید (آدامسکی، ۲۰۱۲: ۳۰). گاهی اوقات این امر به‌دنبال دستورالعمل سیاسی یا درک تغییر در محیط خارجی اتفاق می‌افتد، اما این نباید به عنوان شاهی بر فقدان نوآوری مفهومی در ارتش رژیم صهیونیستی تلقی شود، بلکه باید به‌عنوان یک الگوی سازمانی که اسناد مکتوب را در درجه دوم اقدام قرار می‌دهد، دیده شود. از این منظر نوشتن سند معمولاً پایان فرایند را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان مثال راهبرد نبرد بین جنگ‌ها از دل بحران سوریه و تجربه عملیاتی ارتش رژیم صهیونیستی در این درگیری، وارد قاموس ادبیات اسناد راهبردی شد و از گانتز به بعد به‌طور چشمگیری دامنه عملیاتی، جغرافیایی و مفهومی آن گسترش یافت (آدامسکی، ۲۰۱۲: ۳۵).

وجوه اشتراک اسناد راهبردی

اسناد راهبردی ارتقاء ارتش رژیم صهیونیستی بسته به ماهیت دفاعی - امنیتی آن دارای یک سری اصول و مؤلفه‌های ثابت و وجوه مشترک است که اصلاً تغییر نخواهد کرد؛ همین‌طور اسناد راهبردی فروعی قابل جایگزین و متغیر نیز دارند که با توجه به مقتضیات زمانی - مکانی تغییر خواهد کرد.

اشتراک ساختاری

اولین وجه مشترک، ساختار آن‌ها است که از عناصر زیر تشکیل شده است: شفاف سازی تهدیدات در محیط استراتژیک؛ اصول رویکردهای ارتش رژیم صهیونیستی برای اقدام در

مواجهه با این تهدیدات؛ سازمان اصلی فرماندهی و کنترل و قابلیت‌هایی که باید از طریق طراحی نیرو توسعه یابد. اسنادی از این دست شامل تحلیل دقیق یک دشمن خاص یا پاسخ خاصی به آن دشمن نمی‌شود. این اسناد آنچه را که ارتش رژیم صهیونیستی «مفاهیم عملیاتی» می‌نامد، ارائه می‌کنند؛ یعنی استراتژی‌های ارتش رژیم صهیونیستی که در عرصه‌های مختلف به کار می‌رود (برای مثال، در برخورد با فعالیت‌های ایران در شمال سرزمین‌های اشغالی). اصطلاحات و فرایندهای تشریح شده در اسناد راهبردی، برای حل یک مشکل عملیاتی مشخص استفاده می‌شود و بر اساس برنامه‌های عملیات امنیتی - نظامی معمول اجرایی می‌شود. همه اسناد راهبردی با توجه به ماهیت جنگ آینده، باید اصول تقویت و اعمال نیرو را تشریح کنند.

به‌روزرسانی

بر اساس دومین وجه مشترک این اسناد، با توجه به تغییر دائم در عرصه داخلی و خارجی، بررسی و به‌روزرسانی منظم این اسناد ضروری است. به‌طور معمول هر رئیس ستاد کل در دوران ۴ ساله تصدی مسئولیت، سندی راهبردی متناسب با مقتضیات استراتژیک دوره خود منتشر می‌کند.

ارتقاء بر اساس آموزه‌های جنگ‌های پیشین

یکی دیگر از وجوه مشترک این است که تمام اسناد راهبردی بر مبنای آموزه‌های جنگ‌های پیشین در ارتش رژیم صهیونیستی و ارائه دستاوردهای آن‌ها به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند مواجهه با مجموعه‌ای از تهدیدات و اصول انواع اقدامات بازتاب می‌یابد. بیشتر این اسناد به گذشته و حال می‌پردازند و در رابطه به آینده، عموماً ادامه روندهای موجود هستند و افق درک شده آن‌ها تنها چند سال جلوتر است.

زبان تخصصی

چهارمین وجه مشترک این است که همه اسناد برای نیازهای داخلی ارتش نوشته شده‌اند و از زبان نظامی استفاده می‌کنند. بدین سبب این مفاهیم برای رده‌های سیاسی یا عموم مردم به طور کامل روشن و واضح نیست.

محصول فرایندهای توسعه دانش در ارتش رژیم صهیونیستی

اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی محصول مطالعات اولیه محیط پیرامونی رژیم صهیونیستی و پاسخ برنامه‌ریزی شده ارتش رژیم صهیونیستی از لحاظ تقویت نیرو، اعمال نیرو، تغییرات سازمانی و موارد دیگر می‌باشد. یادگیری در ارتش به‌طور گسترده مورد تأکید قرار می‌گیرد، از جمله یادگیری از تجربه‌های جنگ‌های خود، یادگیری از طریق الگوبرداری از ارتش‌های دیگر، نوآوری مبتنی بر آزمایش با توسعه قابلیت‌ها. در ادبیات تحقیقاتی در مورد نوآوری نظامی، ارتش رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۹۰-۲۰۰۰ به‌عنوان سازمانی توصیف می‌شود که تا حد زیادی بر تجربه جنگی خود تکیه می‌کند و پس از آن، بر استفاده از ایده‌های آمریکایی بدون بررسی تطبیقی، تمایل به جستجوی راه‌حل‌های فناورانه، تقدم عاملان و متخصصان بر نظریه پردازان و نداشتن نگاه طولانی مدت (به دلیل بار سنگین فعالیت‌های امنیتی روزانه و معمول) متکی است (آدامسکی، ۲۰۱۲: ۴۸).

رویکرد طراحی محور

از دیدگاه نظری، توسعه اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی بر اساس «رویکرد طراحی»^۱ توسعه داده نشده‌اند، زیرا هدف آن‌ها توسعه یک راهبرد مشخص برای یک دشمن خاص یا حل یک مشکل نبوده است، بلکه بیشتر برای ساختن دنیای مفاهیم و اصطلاحات نظامی متمرکز بوده است (ارتش رژیم صهیونیستی، بی‌تا). توسعه دانش در نگارش اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی به آنچه که تحقیقات کارکنان نامیده می‌شود، نزدیکتر است، جایی که بحث اصلی بر مجموعه‌ای از مفاهیم مانند ماهیت دشمن و الگوهای عمل آن، شیوه عملیات ارتش رژیم صهیونیستی، تعاریف شکست، بازدارندگی و پیروزی استوار است. در واقع، اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی (اگرچه حاوی کلمه راهبرد هستند) نوعی سند مبتنی بر عقاید نظری است که «نظامی از اصطلاحات تفسیری» مربوط به آن دوره را ایجاد می‌کند (لانیئر، ۱۹۹۸: ۵۹-۵۶). در سال‌های اخیر، ارتش رژیم صهیونیستی به شدت از رویکرد طراحی برای توسعه مفاهیم عملیاتی در مورد دشمنان و برای تقویت نیرو استفاده کرده است.

1 Design approach

محصول نیاز واقعی

به نظر می‌رسد که اسناد مختلف محصول هوس‌های شخصی روسای ستاد مربوطه نیستند؛ یعنی این اسناد لزوماً جایگزین سند متصدی قبلی ستاد کل نیستند. موفاز سند خود را در پایان دوران تصدی‌اش منتشر کرد؛ موشه یعلون که در طول دوره مسئولیت خود بر روی توسعه سند راهبردی ارتش کار می‌کرد، آن را کامل نکرد و سند زیر نظر جانشین وی، یعنی حالوتس منتشر شد؛ اشکنازی سند راهبردی منتشر نکرد؛ گانتز این سند را در نیمه‌ی دوره‌ی ریاست خود منتشر کرد، در حالی که آیزنکوت دو نسخه از این سند را در طول دوره‌اش منتشر کرد؛ یکی یک سال پس از شروع به کار و دیگری حدود یک سال قبل از ترک آن. روسای ستاد یک نیاز واقعی را احساس می‌کردند و سعی می‌کردند ارتش رژیم صهیونیستی را همگام با تعدادی از جنبه‌های در حال توسعه ارتقاء دهند. همچنین در سال‌های اخیر علاوه بر اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی، اسناد مفهومی عملیاتی بیشتری به عنوان مبنای برنامه‌های جنگ تدوین می‌شوند؛ مفاهیم عملیاتی در گذشته نیز وجود داشتند، اما بیشتر آن‌ها نوعی درک مشترک بودند که هرگز به صورت مکتوب در نیامدند (راپاپورت، ۲۰۱۰: ۲۹).

سردرگمی مفهومی

سردرگمی مفهومی منعکس شده در اسناد راهبردی مستقیماً با افزایش پیچیدگی جنگ مرتبط است. برای سالیان متمادی، الگوی جنگ در اصل تغییر نکرد و مبتنی بر جنگ بین یک نیروی نظامی منظم علیه ارتش‌های معمول کشورهای عربی بود. تا اوایل دهه ۲۰۰۰، ارتش رژیم صهیونیستی در انواع درگیری‌های با شدت کم جنگید (مانند جنگ‌های فرسایشی ۱۹۶۸-۱۹۷۰ و اولین انتفاضه ۱۹۸۷-۱۹۹۱) اما این جنگ‌ها با دگرترین نظامی ارتش رژیم صهیونیستی که مبتنی بر اصول کلاسیک جنگ بود، همخوانی نداشتند. براساس این دگرترین نظامی، ارتش رژیم صهیونیستی هر چه سریع‌تر با استفاده از نیروی غالب باید نبرد را به خاک دشمن برد و با جنگ هوایی و زرهی دشمن را شکست دهد. از نظر فرماندهان ارتش رژیم صهیونیستی ثبات نسبی تهدید و عکس‌العمل، نیازی به تغییر در مفهوم اساسی (و غیرمکتوب) اعمال نیرو نداشت. از زمان انتفاضه دوم (۲۰۰۵-۲۰۰۰) و با محو شدن خطر جنگ بین ارتش‌های منظم و معمول تا به امروز، ارتش رژیم صهیونیستی مشغول تهدیدهای متفاوت و ناشناخته‌ای بوده است (برخی مربوط به نظم و امنیت در جبهه داخلی، برخی

مربوط به یک دشمن نیمه نظامی و برخی در حلقه‌های دوردست) و این روندها همان چیزی است که به پیچیدگی مورد بحث منجر شده است؛ به عنوان مثال در زمان موفاز، ارتش رژیم صهیونیستی مجبور بود با حوزه‌های جدیدی مانند عملیات‌های استشهادی فلسطینی‌ها دست و پنجه نرم کند، در حالی که ارتش رژیم صهیونیستی مشکل مقابله با انبوه جنگنده‌های سوری را به تازگی حل کرده بود. در زمان حالوتس، ارتش رژیم صهیونیستی توانایی‌هایی را برای مقابله با عملیات‌های استشهادی در کرانه باختری ایجاد کرده بود و از غزه عقب نشینی کرده بود، و سعی داشت از ارتش آمریکا در جنگ عراق (۲۰۰۳) الگوبرداری کند، اما درست پس از انتشار سند راهبردی با راکت‌های کوتاه برد حزب الله و حماس مواجه شد. در زمان رئیس ستاد گانتز، ارتش رژیم صهیونیستی دو عملیات در غزه انجام داده بود (جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه در غزه) و سومین جنگ (بنیان مرصوص در سال ۲۰۱۴)، پس از انتشار سند انجام شد. ارتش رژیم صهیونیستی از نتایج این عملیات‌ها راضی نبود و سعی کرد آن‌ها را به عنوان «نبردهای بازدارنده»^۱ تعریف کند، که زیر نظر آیزنکوت به «لشگرکشی‌های محدود»^۲ تعبیر شد (راپاپورت، ۲۰۱۰: ۳۷). در اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی، تمرکز از گروه‌های مقاومت فلسطینی در کرانه باختری در دوران موفاز، به سازمان نیمه دولتی حزب الله در دوره آیزنکوت (یا «ارتش تروریست» طبق تعریف رئیس ستاد کوخاوی) تغییر کرد و به حلقه‌های دورتر نیز پرداختند، در اینجا نیز سردرگمی در اهداف و دستاوردها وجود داشت. این سردرگمی نشان‌دهنده نیاز به «فضای گفتمان باز» در درون رده‌های ارتش و بین رده‌های سیاسی با رده‌های نظامی بود (راپاپورت، ۲۰۱۰: ۳۹).

ناظر به حال و آینده نزدیک

توجه به مواردی که در اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی گنجانده نشده، مهم است. این اسناد به دلیل تمرکز بر مفهوم سازی تهدیدات و الگوهای اقدام فعلی در ارتش رژیم صهیونیستی، با آینده میان مدت و بلندمدت سر و کار ندارند. از زمان انتشار سند موفاز در سال ۲۰۰۲، اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی مفاهیمی از میدان نبرد آینده را منعکس نکرده‌اند، مانند آنچه که برای مثال در ارتش آمریکا یافت می‌شود. اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی، عمدتاً به حال و آینده نزدیک می‌پردازند و برای تعیین اندازه ارتش رژیم صهیونیستی در برنامه چند ساله

1 Deterrence campaigns

2 Limited campaigns

(انحلال یا گشایش واحدها) و مسائل مربوط به آموزش و انبارهای مهمات، و ایجاد تغییرات سازمانی مناسب هستند، اما برای چشم اندازهای بلند مدت مناسب نیستند.

وجوه افتراق اسناد راهبردی

این اسناد بسته به مقتضیات زمانی و مکانی، چالش‌های وقت و رویه‌های شخصی و منحصر به فرد هر رئیس ستاد کل دارای وجوه افتراقی نیز هستند.

سند راهبردی موفاز (طرح ۲۰۰۰)

موفاز با درک ضرورت گذار از دکتین جنگی کلاسیک در تطابق با واقعیت‌های میدانی، بین‌المللی و ژئواستراتژیک، در سند راهبردی خود به دنبال ایجاد بستر و زبانی مشترک در ارتش رژیم صهیونیستی بود (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۶۱). در این راستا استراتژی بازتعریف دشمنان، پاشنه آشیل و نوآوری بنیانی سند راهبردی وی بود. در این سند تقویت و اعمال نیرو متناسب با مؤلفه‌های قدرت و مانور ارتش سوریه سامان یافت و ضرورت مقابله محدود با گروه‌های فلسطینی به خصوص بعد از تجارب انتفاضه‌های اول، شعبانیه و نفق ۱ در دستور کار قرار گرفت (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۶۷-۱۶۱).

سند راهبردی حالوتس (طرح ۲۰۰۶)

موشه یلعون در دوران مسئولیت خود بر ستاد کل، سندی را تدوین نکرد اما ماحصل نظرات و عصاۃ تلاش‌های وی در سند راهبردی حالوتس متبلور شد. حالوتس در گذار به دکتین مدرن جنگی در ساحت مفاهیم، رویکردی روشنفکرانه، متأثر از اندیشه‌های پست‌مدرن را دنبال کرد و در ساحت تقویت و اعمال نیرو رویکردی متأثر از نظریات سیستم‌ها را در دستور کار قرار داد (پریسلر-سوری، ۲۰۱۷: ۱۴-۹). مهمترین اقدام دن حالوتس تلاش برای افزودن یک لایه میانی است که سطح استراتژیک را با سطح تاکتیکی مرتبط می‌کند و وظیفه آن پر کردن شکاف بین ایده‌های راهبردی انتزاعی و اقدام نظامی ملموس است (ناوه، ۲۰۰۳: ۲۹).

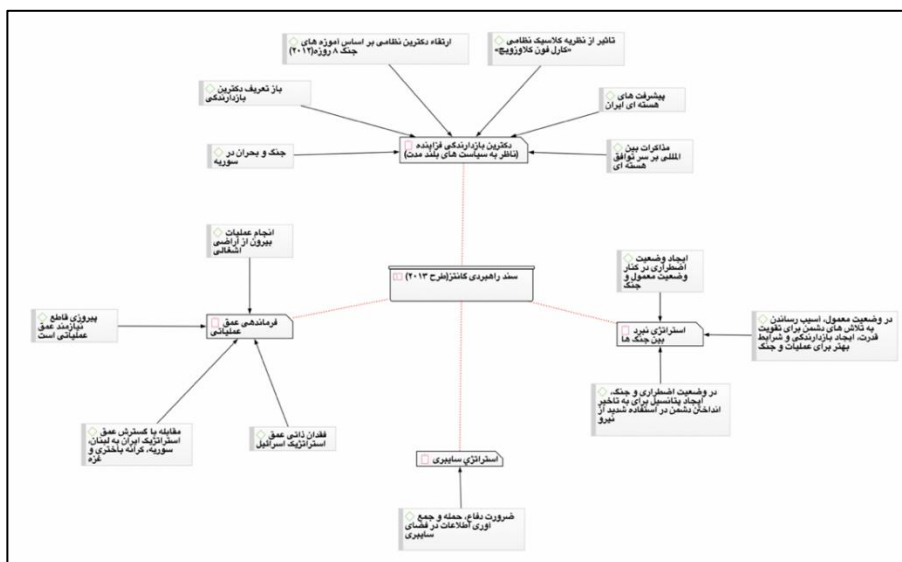
^۱ درگیری سه روزه در سال ۱۹۹۶ در قدس اشغالی به سبب حفر تونل در زیر مسجدالاقصی.

سند راهبردی اشکنازی (طرح تفن)

تجربه شکست در جنگ دوم لبنان کاستی‌های تغییرات بنیانی و بعضاً بسیار روشنفکرانه سند راهبردی حالوتس را نمایان کرد. اشکنازی که با عواقب و تبعات شکست مفتضحانه در جنگ دوم لبنان دست و پنجه نرم می‌کرد، بازگشت به اصول کلاسیک جنگ و معکوس‌سازی بسیاری از مفاهیم و اصول سند راهبردی حالوتس را در دستور کار قرار داد (وینوگرا، ۲۰۰۸: ۳۲۱). او پایه‌های استراتژیک سند راهبری خود را بر استراتژی بازگشت به اصول کلاسیک جنگ، استراتژی اعلام خطر، استراتژی تغییر سازمانی، استراتژی تقویت سیستم‌های دفاع موشکی، استراتژی دکرین ضاحیه و استراتژی برتری اطلاعاتی استوار کرد (راپاپورت، ۲۰۰۷: ۳۱۳-۳۰۹).

سند راهبردی گانتز (طرح ۲۰۱۳)

وی تغییرات ایجاد شده توسط اشکنازی را پیگیری و گسترش داد. او در سند راهبردی خود با در نظر داشتن آموزه‌های جنگ ۸ روزه غزه در سال ۲۰۱۲، فرماندهی عمق عملیاتی برای مقابله با نفوذ نرم و سخت ایران در محیط پیرامونی خود و استراتژی نبرد بین جنگ‌ها را برای مدیریت بحران و افزایش بازدارندگی در سوریه طرح‌ریزی کرد (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۲۴). همچنین برای اولین بار در اسناد راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی، مبتنی بر بازدارندگی فزاینده که ناظر به سیاست‌های بلندمدت بود، استراتژی سایبری برای دفاع، حمله و جمع‌آوری اطلاعات تدوین شد. اصول تقویت و اعمال نیرو در نبرد بین جنگ‌ها، نیازمند وضعیت جدیدی بود؛ زیرا این نوع از نبردها ذیل هیچ‌یک از وضعیت‌های معمول و جنگ قابل تعریف نبود. لذا گانتز وضعیت جدیدی به نام وضعیت اضطراری را طرح‌ریزی کرد که بستر فعالیت‌های نبرد بین جنگ‌ها بود (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۳۷).



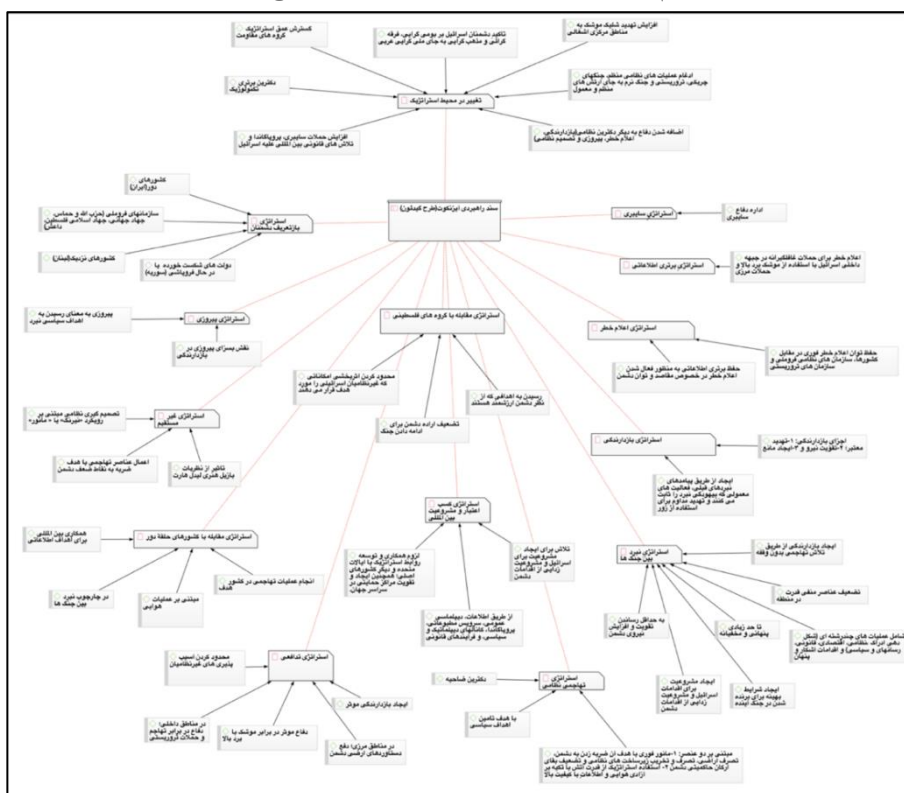
شکل ۱. شاکله معنایی سند راهبردی گانت (طرح ۲۰۱۳)؛ خروجی نرم افزار اطللس تی.

از سال ۲۰۱۳ رژیم صهیونیستی با مشاهده تغییر وضعیت در بحران سوریه و به خصوص نبرد آزادسازی شهر راهبردی القصر، استراتژی «نبرد بین جنگ‌ها»^۱ را در پیش گرفت. مطابق این استراتژی، هدف انجام اقدامات پیشگیرانه به‌ویژه عملیات‌های مخفی برای تضعیف منظم قابلیت‌های دشمن و جلوگیری از استقرار منظم آن بود. استراتژی نبرد بین جنگ‌ها یک کمپین پیوسته در حیطه هوا، زمین، دریا و فضای سایبری بود که از ظرفیت‌های نظامی و ابزارهای مختلف دیگری همچون حقوق بین‌الملل، رسانه، دیپلماسی و اقتصاد بهره می‌جست (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۴۱). استراتژی نبرد بین جنگ‌ها بر این فرض استوار بود که رژیم صهیونیستی هر چندوقت یک‌بار، یک درگیری قابل توجه و موقتی را با محور مقاومت اعم از گروه‌های مقاومت فلسطینی، حزب الله یا ایران تجربه می‌کند. هدف این استراتژی محدود کردن توانایی‌های دشمنان و تأثیرگذاری بر ملاحظات کوتاه مدت آن‌ها و تقویت موقعیت استراتژیک رژیم صهیونیستی به منظور آماده شدن برای دور بعدی تنش‌ها بود (فینکل، ۲۰۱۸: ۱۴۹). در واقع نبرد بین جنگ‌ها در دوران گانتز و فرماندهی آیزنکوت بر منطقه شمالی نهادینه شد و در دوران ریاست ایزنکوت بر ستاد کل گسترش و تعمق یافت.

۱ به زبان عبری MABAM و به زبان انگلیسی CBW

سند راهبردی آیزنکوت (طرح گیدئون)

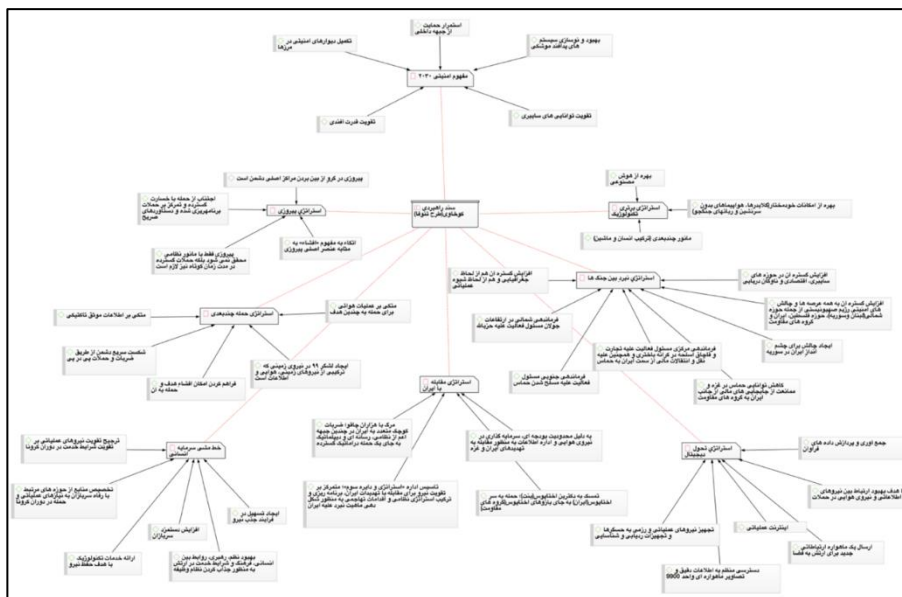
او برای اولین بار با انتشار رسمی سند راهبردی ارتش رژیم صهیونیستی (گیدئون) تلاش کرد تا با تدوین و تنقیح جامع مفاهیم، رویکردهای عملیاتی و اصول تقویت و اعمال نیرو، علاوه بر پوشش خلاء وجود سند به‌روز امنیت ملی در رژیم صهیونیستی، بابِ مفاهمه با رده سیاسی را نیز بگشاید (خالیدی، ۲۰۱۶: ۱۴۲). گیدئون حاوی هیچ‌گونه نوآوری غیرمعمولی نیست اما از جمله نوآوری‌های سند راهبردی آیزنکوت ضرورت تلاش برای مشروعیت بخشی به اقدامات ارتش رژیم صهیونیستی در سطح بین‌المللی بود (خالیدی، ۲۰۱۶: ۱۴۳). گیدئون شامل عناصری است که مدت مدیدی جزئی از روش نظامی استراتژیک رژیم صهیونیستی بوده است. این سند اصول تثبیت شده عمل تهاجمی، بازدارندگی و ترکیبی از اعلام خطر و اطلاعات نظامی را تقویت و تشریح می‌کند.



شکل ۲. شاکله معنایی سند راهبردی آیزنکوت (طرح گیدئون)؛ خروجی نرم افزار اطلس تی.

سند راهبردی کوخاوی (طرح تنوفا)

او در سند راهبردی تنوفا، استراتژی نبرد بین جنگ‌ها را در همه عرصه‌ها چه از لحاظ گستره جغرافیایی و چه از لحاظ شیوه عملیاتی گسترش و تعمیق بخشید. در دوران وی استراتژی مقابله با ایران ابعاد مختلفی یافت و حتی «اداره استراتژی و دایره سوم» به منظور مقابله با تهدیدات ایران تأسیس شد. همه‌گیری کرونا و به تبع آن محدودیت بودجه نظامی، اجرایی کردن سند راهبردی تنوفا را با چالش مواجه کرد (بنیاد دفاع از دموکراسی، ۲۰۱۹). در دوران ریاست ستاد کل کوخاوی، عصر جدید جنگ با پیشرفت‌های تکنولوژیک تجهیزات نظامی، سازماندهی نامتقارن گروه‌های مقاومت و بهره‌ایشان از فرآیند شکل‌دهی ادراک علیه رژیم صهیونیستی ادامه داشت (وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، ۲۰۲۰). وی همچنین با چالش‌هایی در ساحت بین‌المللی، ایران، حزب‌الله، گروه‌های مقاومت و داخل مرزهای اشغالی مواجه شد و تقریباً در هریک از خود کارنامه ناتمامی به جای گذاشت. بعد از کوخاوی، ژنرال هالوی تصدی ریاست ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی را بر عهده گرفت.



شکل ۳. شاکله معنایی سند راهبردی کوخاوی (طرح تنوفا)؛ خروجی نرم افزار اطلس تی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی از تدوین این پژوهش تبیین راهبردهای نظامی ارتش رژیم صهیونیستی ذیل دکترین نظامی این ساختار سیاسی جعلی، از طریق تحلیل و بررسی اسناد راهبردی ارتقاء ارتش طی بیست و پنج سال گذشته بود؛ این مهم را با روش «اسنادی» (فن تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار «اطلس‌تی») پیگیری کردیم. براساس یافته‌ها ایده تدوین اسناد راهبردی ارتقاء رژیم صهیونیستی برگرفته و به تقلید از ارتش آمریکا به‌مثابه یک ابرقدرت در عرصه جهانی بوده است. مفاهیم اساسی هر سند دورنمای اصول دکترین نظامی و راهبردهای کلان ارتش رژیم صهیونیستی در دوران تصدی هر رئیس ستاد کل را شامل می‌شود. از نظر شکلی، اولین وجه مشترک این اسناد ساختار آن‌ها است که از عناصر زیر تشکیل شده است: شفاف‌سازی تهدیدات در محیط استراتژیک؛ اصول رویکردهای ارتش رژیم صهیونیستی برای اقدام در مواجهه با این تهدیدات؛ سازمان اصلی فرماندهی و کنترل و قابلیت‌هایی که باید از طریق طراحی نیرو توسعه یابد. دومین وجه مشترک این اسناد، بررسی و به‌روزرسانی منظم آن‌ها است. به‌طور معمول هر رئیس ستاد کل در دوران ۴ ساله تصدی مسئولیت، سندی راهبردی متناسب با مقتضیات استراتژیک دوره خود منتشر می‌کند. تمام اسناد راهبردی بر مبنای آموزه‌های جنگ‌های پیشین در ارتش رژیم صهیونیستی و ارائه دستاوردهای آن‌ها تدوین شده‌اند. چهارمین وجه مشترک این اسناد که همه اسناد برای نیازهای داخلی ارتش نوشته شده‌اند و از زبان نظامی استفاده می‌کنند البته به‌صورت محدود برخی از فقرات این برنامه‌ها مانند سند تنوفا بر عملیات روانی از طریق ایجاد رعب و وحشت در بین دشمنانش (جمهوری اسلامی ایران) استوار شده است. در کنار نقاط اشتراک اسناد راهبردی ارتش اسرائیل، باید بدین نکته اذعان کرد که این طرح‌ها محصول فرایندهای توسعه دانش در خود ارتش رژیم صهیونیستی و مطالعات اولیه محیط پیرامونی رژیم صهیونیستی بوده و محصول هوس‌های شخصی رؤسای ستاد مربوطه نیستند؛ یعنی این اسناد لزوماً جایگزین سند متصدی قبلی ستاد کل نیستند بلکه محصول نیاز واقعی ارتش رژیم صهیونیستی در برهه‌ای خاص هستند. طرح‌ها به دلیل تمرکز بر مفهوم‌سازی تهدیدات و الگوهای اقدام فعلی در ارتش رژیم

صهیونیستی، با آینده میان مدت و بلندمدت سر و کار ندارند و ناظر به حال و آینده نزدیکند. در آینده، اصول دکترین نظامی ارتش رژیم صهیونیستی از جمله پیروزی قاطع و سریع، هشدار استراتژیک، بازدارندگی، برتری اطلاعاتی و فناوریانه با وقوع و تداوم طوفان الاقصی نیاز به بازنگری جدی دارد؛ بدین سبب بازنگری در اصول دکترین نظامی برای ارتش رژیم صهیونیستی ضروری است. رئیس ستاد کل در تدوین سند راهبردی بعدی فقط باید بر آموزه‌های نبرد طوفان الاقصی و تجارب پیشینان تکیه کند؛ چرا که اسناد راهبردی اصولاً دارای ماهیتی پسینی هستند و در فرهنگ حاکم بر ارتش رژیم صهیونیستی، پیشرفت‌های مفهومی معمولاً از اسناد مکتوب حاصل نمی‌شود، بلکه از طریق یک فرایند تعاملی بین ایده و تجربه عملیاتی یا تجربه تکنولوژیکی اجرای آن به دست می‌آید؛ از این رو از اصلی‌ترین دستورالعمل‌های رئیس آتی ستاد ارتش رژیم صهیونیستی، بازایی و بازسازی تصویر نهاد تحت مسئولیت خود در افکار عمومی شهرک‌نشینان و در سطح بین‌المللی از طریق ارائه یک برنامه جامع که تمامی نقایص پیشین را رفع کند است. در نتیجه رئیس آتی ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی در ارائه سند راهبردی خود بدین نکات امعان نظر خواهد داشت:

۱. بازتعریف راهبردهای کلان امنیتی و بازدارندگی: بازنگری در معادله بازدارندگی و تعریف قواعد جدید در تقابل با محور مقاومت. بازنویسی و پیچیده‌سازی راهبرد "نبرد بین جنگ‌ها" در منطقه خاکستری. اصلاح استانداردهای هشدار استراتژیک و مکانیزم‌های صدور آن.
۲. تحول در عملیات روانی و دیپلماسی: تشدید عملیات روانی با هدف مقصرنمایی جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های منطقه‌ای. بازآفرینی تصویر کارآمدی تسلیحات داخلی برای احیای دیپلماسی دفاعی. تقویت ائتلاف با آمریکا برای مبارزه با مقاومت و ترغیب این کشور به تمرکز مجدد بر غرب آسیا.
۳. نوسازی ساختار نیروی انسانی و استخدام: انجام اصلاحات اساسی در اصول سازمانی و رزمی نیروی زمینی. افزایش دامنه خدمت سربازی اجباری و شامل کردن یهودیان فوق ارتدوکس برای حفظ ترکیب جمعیتی ارتش.

۴. به‌روزرسانی و نوسازی تجهیزات و توان‌های زرهی: تدوین برنامه جامع برای خرید و بازطراحی تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) پس از تلفات سنگین در نوار غزه.

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۸). مقاومت در اسلام؛ الگو و نظریه. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ارتش رژیم صهیونیستی (بی‌تا). رسانه. <https://www.idf.il/media/66757/learning-and-knowledge-development-processes.pdf>
- ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۹۶). جنگ و صلح: بررسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر. تهران: سمت.
- اکبری، مرتضی و غفوریان، فاطمه السادات (۱۳۹۳). تحلیل داده‌های کیفی با نرم‌افزار ATLAS.ti. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنیاد دفاع از دموکراسی (۲۰۱۹). تحلیل‌ها. <https://www.fdd.org/analysis/2019/05/13/from-ben-gurion-to-netanyahu-the-evolution-of-israels-national-security-strategy>
- دفتر نخست‌وزیر (۲۰۱۸). اخبار. Spokesperson Prime Minister's Office (2018, August 15). announcement: Prime Minister Netanyahu presents "Security Concept 2030" to the Cabinet. https://www.gov.il/he/Departments/news/spoke_security150818 [in Hebrew]
- زارعی، محمد (۱۴۰۱). طرح تنوفا (طرح ارتش اسرائیل برای سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۲۵). تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- شادمانی، مهدیه؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). «دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل»، فصلنامه مطالعات سیاسی. ۱۰ (۴۰)، ۱۴۷-۱۶۸.
- قانون عمومی (۱۹۸۶). اقدام. <https://www.govinfo.gov/content/pkg/STATUTE-100/pdf/STATUTE-100-Pg992.pdf>
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹). دکترین نظامی اسرائیل. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی (۱۳۷۹). «جنگ آینده در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه سیاست دفاعی. ۱۰ (۳۲)، ۶۸-۸۲.
- مُقومی، امیررضا؛ قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۴۰۱). «تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران. ۶ (۲)، ۹-۳۸.
- وزارت جنگ رژیم صهیونیستی (۲۰۲۰). <https://www.israeldefense.co.il/node/41955>
- وزارت دفاع آمریکا (بی‌تا). دکترین. <http://www.dtic.mil/doctrine/jel/doddict>
- وزارت دفاع آمریکا (بی‌تا). نیروهای مسلح. [https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=\(title:10%20section:113%20edition:prelim\)%20OR%20\(granuleid:USC-prelim-title10-section113\)&f=treesort&num=0&edition=prelim](https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=(title:10%20section:113%20edition:prelim)%20OR%20(granuleid:USC-prelim-title10-section113)&f=treesort&num=0&edition=prelim)

- Adamsky, D. (2012). Military culture and strategic innovation: The impact of the strategic culture on the Revolution in Military Affairs in Russia, the United States, and Israel. Modan and Maarachot [in Hebrew].
- Angstrom, J., & Honig, J. W. (2012). Regaining Strategy: Small Powers, Strategic Culture, and Escalation in Afghanistan. *The Journal of Strategic Studies*, 35(5), 663-687. <https://doi.org/10.1080/01402390.2012.706969>
- Freilich, C. D. (2018). *Israel's Classic Defense Doctrine*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190602932.003.0002>
- Finkel, M. (2018). The chief of staff: Comparative study of six aspects of the role of the commander of the army. Modan, with IDF Maarachot Publishers and the Ministry of Defense Publications.
- Gartner, Scott Sigmund. (1999). *Strategic Assessment in War*, Yale University Press.
- Gray, C. S. (2010). *The strategy bridge*. Oxford: Oxford University Press.
- Hayman, Tamir. (2023). *Strategic Analysis for Israel 2023*. Institute for National Security Studies (INSS).
- Khalidi, Ahamd Samih. (2016). Special Document File :ORIGINAL ENGLISH TRANSLATION OF THE 2015 GADI EISENKOT IDF STRATEGY . *Journal of Palestine Studies* Vol. XLV, No. 2.
- Lanir, Z. (1998). Doctrines and military "explanatory conceptual campaigns." *Maarachot*, 355, [in Hebrew].
- Levite, A. (1990). *Offense and defense in Israeli military doctrine*. Westview [u.a.].
- Meridor, D., & Eldadi, R. (2018). *Israel's national security doctrine: The report of the committee on the formulation of the national security doctrine (Meridor Committee), ten years later*. Institute of National Security Studies, Memorandum.
- Naveh, S. (2003). *The Art of Battle: The Emergence of Military Excellence*, [in Hebrew], Tel Aviv: IDF-Hotza'at Ma'archot/Defense Ministry Publishers.
- Preisler-Swery, D. (2017). What can be learned from the process of developing the operation concept (2006). *Bein Haktavim*, [in Hebrew].
- Rapaport, A. (2007). *Friendly Fire: How We Undid Ourselves in the Second Lebanon War*, [in Hebrew], Tel Aviv: Sifriat Maariv, 2007, pp. 303-319.
- Rapaport, A. (2010). *The IDF and the Lessons of the Second Lebanon War*, THE BEGIN-SADAT CENTER FOR STRATEGIC STUDIES BARILAN UNIVERSITY. *Mideast Security and Policy Studies* No. 85.
- Snider, D.M & Nagl, J.A. & Pfaff, T. (1999). *Army Professionalism, the Military Ethics and Officership in the 21st Century*, Carlisle: Strategic Studies Institute, Army War College, 1999, Available at: <<http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/PUB282.pdf>>
- Winograd, R. Gavison, Y. Dror, C. Nadel and M. Einan. (2008). *Military Aspects of the Conduct of the War*, [in Hebrew], The Commission of Inquiry into the Events of Military Engagement in Lebanon 2006: Final Report, Jerusalem.

